صداهای عجیب

نوشته‌ی طاهره خردور

دُلفین

گفتم: «دُلفین کوچولو، خوش به حالت، که بلدی توی آب سوت بزنی.»

گفت: «من که سوت نمی‌زنم. دارم دوستانم را صدا می‌کنم تا بیایند و بازی کنیم.»

فهمیدم: دُلفین‌ها صدایی از خودشان در می‌آورند که مثل سوت است. آن‌ها با این صدا با هم حرف می‌زنند.

جیرجیرک

گفتم: «خاله جیرجیرک، صد آفرین به تو! چه‌قدر خوب آواز می‌خوانی!»

گفت: «اشتباه نکن، من آواز نمی‌خوانم! دارم جَست می‌زنم. این صدای جیرجیر از بال‌هایم است.»

فهمیدم: جیرجیرک‌ها، وقتِ جَست زدن، بال‌هایشان را روی هم می‌کشند. آن‌وقت صدای جیرجیر، بلند می‌شود.

مرغ مینا

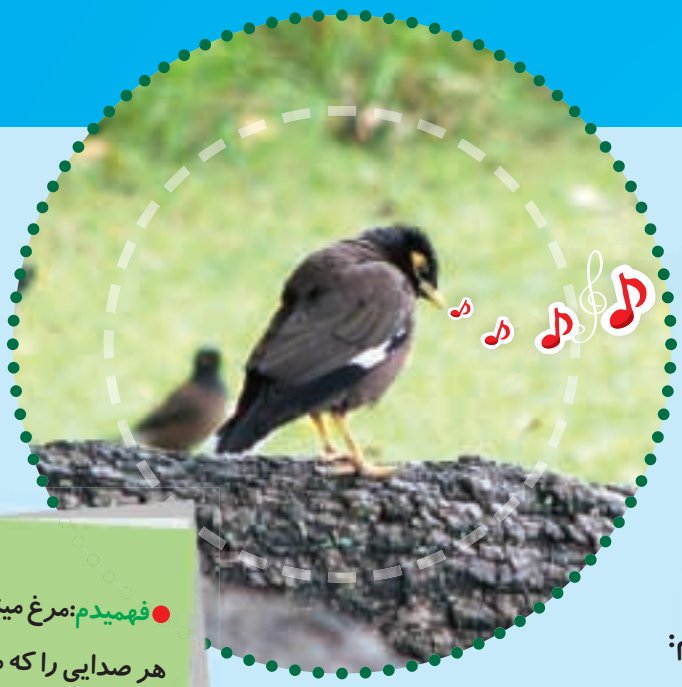

گفتم:«چرا ساکتی؟ به چی داری گوش می‌کنی؟»

گفت:«به صدای زنگ در.چون می‌خواهم آن را بلد شوم و بگویم: زینگ...زینگ...زینگ!»

فهمیدم:مرغ مینا می‌تواند هر صدایی را که می‌شنود، تقلید کند.حتّی صدای زنگ ِدر یا زنگ تلفن.

قورباغه

گفتم:«آهای قورباغه، از بَس داد زده‌ای، گلویت باد کرده!»

گفت:«نه بابا، خودم گلویم را باد کرده‌ام، تا قورقورم بلندتر شود.»

فهمیدم:بعضی از قورباغه‌ها زیر گلویشان کیسه‌هایی دارند.این کیسه‌ها را باد می‌کنند تا صدای قورقورشان بلندتر شود. و به گوش دوستانشان برسد.